

متن پرسش

با سلام و ادب خدمت استاد طاهر زاده، استاد خواهشمندم راهنمایی بفرمایید که کدامیک از نگرش های زیر درست است: ۱- انسان وقتی با در نظر داشتن شرایط و اوضاع موجود و با توکل به خدا، یک تصمیم در مورد امورات معمول دنیوی می گیرد اما در نتیجه (به ظاهر و به برداشت خودش) ضرری از جنس مادی و دنیوی حاصلش شود می تواند : الف: با تجزیه و تحلیل فرآیند تصمیم گیری خودش به این نتیجه برسد که این تصمیمش به این علت و آن علت اشتباه بوده و خودش را سرزنش کند و شاید برای دل خوش کردن خودش بگوید که از این اشتباه این درس رو گرفتم و ... ب: یا اینکه این اشتباه و ضرر را با بدون آنالیز و با نگاه توحیدی و به نظر حکمت خدا نگاه کند و بگوید هر چه خدا بخواهد همان می شود و ما از خودمان هیچ ملکیتی نداریم (بنده با این نگرش خیلی آرامش درونی می کنم اما از وقتی وارد درس و مدرسه شدم خانواده، رسانه، دوستان و کتابها و ... در ذهنمان فرو کردند که از هر اشتباهی باید درس بگیرم. می ترسم که یا توحید را خوب نفهمیده باشم و یا همه اینها توجیهی از فرار کردن اشتباه خودم باشد) ۲- آیا می توان گفت که از نظر نگرش توحیدی هیچ تصمیم گیری (به خدا توکل شده) اشتباهی وجود ندارد و همه آنها ریشه در حکمت خدا دارند؟ ۳- جایگاه اینکه خداوند می فرماید هر چی خیره از منه، و هر چی شر و بدیه از خود شماست را چطور می توان با مسایل بالا ربط داد؟ ما را هم دعا کنید استاد دوستدار شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اصل کار آن است که در هر کار خیری به اعتماد مدد الهی وارد می شویم ، در عین حال از عقل خود استفاده می کنیم و اگر لازم باشد از عقل بقیه با مشورت با آنها کمک می گیریم و سپس هرچه پیش آمد را می پذیریم و با همه ی این کارها احتمال خطا را نباید صفر دانست زیرا توحید ما در حدّ خودمان است و معلوم نیست به جهت توکل ضعیف خود کارمان با نفسانیت همراه نباشد و در این رابطه خداوند می فرماید به هر اندازه که مربوط به خدا است خیر است و هر اندازه که مربوط به نفسانیت ما انسان ها است شرّ است. موفق باشید